



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

خلقت انسان در قرآن و نظریه داروین

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای علی کریم پور قراملکی

دانش پژوه:

محمد علی نظری

سال ۱۳۸۳

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۱۹۴

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به روح خدا

خمینی کبیر قدس سره الشریف
او که پیامبر نور و رهائی بود
در شب یلدای ستم
و او که آیه های سبز خدائی بود
در عصر
بی خدائی
از خود بیگانگی، ناامیدی و ...
روح بلندش شاد و یاد غریزش گرمی باد!

تقدیر و سپاس:

در همین جا بر خود فرض می‌دانم که از راهنمایی‌ها و زحمات استاد بزرگوارم، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای کریم پور قراملکی که صبورانه و دلسوزانه ما را در طی تدوین این نوشتار یاری و تحمل نمودند، صمیمانه سپاس گذاری و قدردانی نمایم. ارشادات عالمانه ایشان تنها توشه و یاور ما در تدوین این جزوه بود. از خداوند بزرگ سلامتی و توفیقات روز افزون آن فرزانه را در ساحت‌های علمی و فکری استدعا می‌نمایم.

و اسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

محمد علی نظری

تابستان ۱۳۸۲

فرضیه‌ی اساسی که در این نوشتار مورد پژوهش قرار گرفته عبارتست از بررسی نسبت تئوری تکاملی پیدایش انسان با ظواهر آیات کریمه‌ی قرآن که در زمینه‌ی آفرینش انسان وارد شده است. با مطرح شدن نظریه‌ی اشتقاق انواع توسط (داروین) این انگاره به وجود آمد که نظریات علمی با فحواهای متون دینی در زمینه‌ی خلقت انسان متعارض و مانع‌الجمع هستند. ما در این جزوه سعی خواهیم کرد انگاره تعارض علم و دین را به طور عام و نیز آن فرضیه را در خصوص پیدایش انسان مورد بازخوانی و امعان نظر قرار دهیم.

در یک تعبیر بسیاری کلی نتیجه نهائی به دست آمده در این نوشتار نه (رفع تعارض) بلکه (دفع) آن است به دین معنا آنچه که در ادبیات نظری (مساله) و تراوش‌های فکری سلف مشهور است اذعان به واقعیت تعارض علم و دین در بعضی حوزه‌ها و ارائه نمودن مکانیسم‌های توجیهی و تاویلی برای رفع آن بوده است در حالیکه این نوشتار سعی دارد شرایطی را توصیف کند که در آن انگار تعارض از اساس منفی و فرضیه‌ی تعامل تثبیت می‌گردد. از نظر ما نمونه‌های که به مثابه مصادیق تعارض علم و دین (مثل خلقت انسان) تلقی شده‌اند براینده خطاهای استراتژیکی است که در صورت تصحیح آنها به ایده‌ی همگرایی علم و دین خواهیم رسید. این جزوه در راستای بررسی فرضیه‌ی مورد نظر در سه بخش و هشت فصل نظام یافته است. بخش اول که دارای سه فصل می‌باشد دو فصل اول و دوم آن به مباحث مقدماتی و کلی از قبیل عملیاتی کردن مفاهیم، سابقه بحث، تبیین اهداف، ضرورت و طرح مساله پرداخته شده است اما فصل سوم متکفل و اکاوی ادبیات نظریه مساله می‌باشد در این فصل عمده‌ترین رویکرد‌های فکری معاصر در قبال مناسبات علم و دین به منظور تامین پشتوانه تئوریکی مناسب مورد بحث و نقدا قرار گرفته است. پس از اتخاذ یک موقف نظری تنقیح شده وارد بخش دوم می‌شویم این بخش در دو فصل ساختار یافته است. در فصل اول نظری تکاملی داروین در مورد کیفیت پیدایش انسان مطرح شده است فصل دوم این بخش پیامدهای کلامی نظریه موصوف را برای دیانت از قبیل معارضه انگاری با اتقان صنع و ناسازگاری با ظواهر قرآن کریم را به تصویر و نقد می‌کشد. تحلیل تفصیلی ناهمسازی نظریه‌ی تکاملی با آیات کریمه‌ی آفرینش را در بخش سوم خواهید یافت بخش سوم را نیز سه فصل شیکل می‌دهد. در فصل اول با طرح دیدگاه‌های مختلف تفسیری درباره فحواهای آیات آفرینش ظهور متون قرآنی را بررسی نموده ایم اما در فصل دوم نیم‌نگاهی انداخته ایم به راه حل‌ها و مکانیسم‌های سازگارکننده‌ی که از سوی متفکران جهت رفع تعارض میان آیات کریمه‌ی قرآن با نظریات علمی ارائه‌گرفته‌اند ما در نظریه‌های اندیشمندان مسلمان دو مکانیسم اصلی توجیه را تحت

عنوان منطق (تاویل) و تطبیق باز یافته ایم که غالب عالمان مسلمان از آندو جهت رفع معارضات علم و دین سود جسته اند. ما با تردید افکندن در کارائی دو منطق یاد شده سعی نموده ایم در فصل سوم از یک راهبرد ترکیبی جهت حل چالشهای علم و دین استفاده نمایم.

فهرست مطالب

پیشگفتار: ۱

بخش اول: کلیّات

فصل اول: تاریخچه و طرح مسأله..... ۷

۱- اهداف و پیشینه بحث:..... ۸

الف- سابقه بحث در فرهنگ مغرب زمین:..... ۸

ب- پیشینه بحث در فرهنگ اسلامی: ۱۱

ج- اهداف اصلی از طرح مسأله علم و دین:..... ۱۴

۲- دنیای جدید و رابطه علم و دین:..... ۱۵

۳- انگاره ناسازگاری علم و دین در سه سطح متفاوت: ۲۰

۱- سطح رون شناختی:..... ۲۰

۲- سطح فلسفی: ۲۱

۳- سطح محتوای:..... ۲۳

۴- دلایل اهتمام به مسأله رابطه علم و دین: ۲۵

فصل دوّم: بررسی و تعریف مفاهیم محوری..... ۳۱

۱- بررسی تعاریف مختلف دین:..... ۳۲

۱-۱- تعریف اندیشمندان غربی:..... ۳۳

۲-۱- تعریف اندیشمندان اسلامی:..... ۳۷

۳-۱- تعریف مورد قبول از دین:..... ۴۲

۲- معانی متعدد علم:..... ۴۳

۳- قانون علمی و نظریات متفاوت در باب ماهیت آن:..... ۴۵

۴- اندیشه علم دینی:..... ۵۰

فصل سوم: واکاوی ادبیات نظری مسأله ۵۲

- ۱- رویکردهای معاصر در باب رابطه علم و دین: ۵۳
- الف- دیدگاه تعارض و بررسی ریشه‌های آن: ۵۳
- ب- دیدگاه تمایز و بررسی دلایل قائلان به آن: ۶۰
- ۱- نقد و بررسی نظریه سنت‌گرایان نوین: ۶۱
- ۲- نقد و بررسی نظریه اگزیستانسیالیسم: ۶۵
- ۳- نقد و بررسی نظریه فلسفه تحلیل زبانی: ۷۱
- ج- دیدگاه تلاقی و بررسی دلایل قائلان به آن: ۷۷
- ۱- نقد و بررسی نظریه کلام لیبرال: ۷۸
- د- دیدگاه تأیید (علم دینی) و بررسی ریشه‌های آن: ۸۸
- ه- دیدگاه مورد قبول (رویکرد علم دینی): ۹۳
- ۱- دو ایراد مهم در آراء مذکور در باب رابطه علم و دین: ۹۳
- ۲- دلایل انتخاب رویکرد علم دینی: ۹۵
- و- فرضیه‌های اصلی تحقیق: ۹۸

بخش دوم: خلقت انسان از دیدگاه علم (بررسی نظریه داروین)

- فصل اول: نظریات مطرح در پیدایش جانداران ۱۰۰
- ۱- مکتب فیکسیسم یا ثبات انواع: ۱۰۲
- ۲- مکتب ترانسفورمیسم یا تحول انواع: ۱۰۳
- ۳- نظریه‌های تکامل: ۱۰۵
- ۱-۳- مکتب لامارکسیم: ۱۰۵
- ۲-۳- مکتب داروینیسم: ۱۰۶
- ۳-۳- اصول اساسی نظریه داروین: ۱۰۷
- ۴- مکتب نئوداروینیسم و نظریه موتاسیون: ۱۰۹

فصل دوم: پیامدهای کلامی نظریه تکامل ۱۱۲

- ۱- معارضه با فاعلیت و دخالت حکیمانه خداوند در طبیعت: ۱۱۳
- ۲- معارضه با ظواهر متون مقدس: ۱۱۴
- ۳- نقد و بررسی تأثیر علم گرایی در پیدایش این پیامدها ۱۱۴

- ۱-۳. بررسی فلسفه طبیعت گرا و یا مکتب اصالت علم: ۱۱۶
- ۲-۳: دلایل انکار ادعای نخست ۱۱۷
- ۳-۳. دو ویژگی ممتاز علوم جدید: ۱۲۲
- ۴-۳. دلایل انکار ادعای دوم: ۱۲۷
- ۵-۳. نارسایی در نظریات متافیزیکی طبیعت گراء ۱۲۹
- یکم - فرا تجربی بودن قانون علیت: ۱۳۰
- دوم - ملاک نیازمندی به علت: ۱۳۶
- سوم - علل طبیعی در طول علل ماوراء طبیعی: ۱۳۹
- ۴ - تحلیل و بررسی نگرش عمیق دینی در رفع این پیامدها: ۱۴۱
- ۱-۴. هدفمندی جهان مساوی با دخالت حکیمانه الهی: ۱۴۱
- ۲-۴. معنای نادرست هدفمندی جهان: ۱۴۷
- ۳-۴. تقریر درست معنای هدفمندی جهان: ۱۵۱

بخش سوم: خلقت انسان از دیدگاه قرآن

- فصل اول: بررسی ظهور متون قرآن ۱۵۶
- ۱ - تبیین مسأله و محل نزاع: ۱۵۷
- ۲- دیدگاه نخست و دلایل آن ۱۶۰
- ۳- دیدگاه دوم و دلایل آن: ۱۸۲
- ۴- دیدگاه سوم (دیدگاه برگزیده): ۱۹۰
- فصل دوم: بررسی راه حل‌های اندیشمندان مسلمان در مسأله .. ۱۹۵
- الف) سنت گرایان: ۱۹۹
- ۱ - نظریه علامه طباطبایی (ره) و بررسی آن: ۱۹۹
- ۲ - نظریه استاد آیت الله مکارم شیرازی و بررسی آن: ۲۰۶
- ۳ - نظریه استاد آیت الله سبحانی و بررسی آن: ۲۰۹
- ۴ - نظریه حضرت آیت الله مصباح و بررسی آن: ۲۱۱
- ۵ - نظریه استاد شهید مرتضی مطهری و بررسی آن: ۲۱۸

۲۲۶	ب- نوگرایان:
۲۲۶	۱- نظریه آیت الله طالقانی (ره):
۲۲۸	۲- نظریه دکتر سبحانی و مهندس بازرگان:
۲۳۱	۳- نقد و بررسی دیدگاه تکامل گرایان:
۲۳۶	۴- نظریه آیت الله مشکینی و بررسی آن:
۲۳۹	۵- نظریه دکتر عبدالکریم سروش و بررسی آن:
۲۴۹	فصل سوم: تحلیل و تبیین نهایی مسأله
۲۵۰	۱- حقیقت چیست؟
۲۵۱	۲- کمال خواهی قانون عالم طبیعت:
۲۵۳	۳- کمال نهائی انسان چیست؟
۲۵۴	۳-۱. کمال انسان از دیدگاه قرآن:
۲۵۵	۳-۲. قرب الهی:
۲۵۷	۴- فلسفه دین هدایت انسان:
۲۶۰	۵- رابطه علوم طبیعی با فلسفه دین (هدایت بشر):
۲۶۱	۵-۱. نسبت علوم طبیعی با هدایت انسان در مقام ثبوت:
۲۶۲	۵-۲. دلایل عدم ارتباط علوم طبیعی با هدایت انسان:
۲۶۶	۵-۳. رابطه علوم با هدایت انسان در مقام اثبات:
۲۷۰	۶- طبیعت در نگاه قرآن و روایات:
۲۷۱	۶-۱: طبیعت در نگاه قرآن:
۲۷۵	۶-۲. علم در نگاه اخبار و روایات:
۲۷۸	۷- یک نتیجه مهم:
۲۸۰	۸- تبیین مسأله با تکیه بر رویکرد علم دینی:
۲۸۸	۹- جمع بندی و نتیجه گیری:
۲۹۳	فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار:

تبیین رابطه علم و دین به منظور تحلیل و حل چالش‌های ظاهری دانش تجربی، با بعضی از تعالیم دینی و ظواهر متون مقدس از اهم مسائل، در حوزه مباحث کلام جدید محسوب می‌شود. عمده‌ترین مصداق تعارض علم و دین نظریه تطوری انواع است که توسط چارلز داروین انگلیسی مطرح شد و مباحث و مناقشات بسیار جدی را تحت عنوان معارضه زیست‌شناسی با الهیات و ظواهر دینی به وجود آورد. در حوزه کلام مسیحی، واکنش‌ها و روش‌های بسیار متفاوت و متباعدی از سوی متکلمان و متفکران دین‌مدار، در قبال حل مسأله تعارض علم و دین ابراز و اتخاذ شده است، که بخشی از آن دیدگاه‌ها در فصل و اکاوی ادبیات نظری مسأله، مورد بحث و اشاره قرار گرفته است. مسأله تعارض زیست‌شناسی تطوری با الهیات و ظواهر قرآن، در مورد آفرینش انسان در جوامع اسلامی نیز دیرباز است که توجه اندیشمندان و متکلمان اسلامی را به خود معطوف نموده است و در این زمینه کتب، مقالات و آثار فراوانی از سوی متفکران مسلمان به طبع و نظر نشر رسیده است.

اما به نظر می‌رسد که همه طرح‌ها و الگوها ارائه شده در زمینه حل چالش‌های علم و دین در هر دو جهان مسیحیت و اسلام در عین حال که نکات آموزنده و راهگشای فراوان را مطرح ساخته‌اند؛ ولی با کمال تأسف باید گفت که همه مدل‌های ارائه شده در این زمینه، به نحوی دارای اشکال و نقص بوده است؛ به همین دلیل در جهت رفع تعارضات علم و دین کمتر توفیق داشته‌اند. کمترین اشکال، در الگوهای ارائه شده، این است، که اکثراً، در راهکارهای موجود علم به مثابه یک نهاد ثابت، قطعی و فیکس در

نظر گرفته می شود؛ لذا در موارد که تصور می شود علم و دین باهم ناسازگارند، راهبرد اصلی در این دیدگاهها، تصحیح و تأویل آموزه‌ها و ظواهر دینی، مطابق با داده‌ها و فرضیات علمی است و به قول معروف در راه حل‌های موجود عموماً از «دخل دین» به «نفع علم» خرج شده است و چنین رویکردهای در این رساله مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. از نظر این نوشتار، تا زمان که هویت علم به گونه‌ای باشد، که اکنون هست (علم سکولار) ارائه هر گونه راه حل منطقی، جهت رفع چالش‌های علم با دین ناممکن و غیر مقدور است؛ لذا این رساله، جهت تعارض زدایی از دو حوزه علم و دیانت به نحو ریشه‌ای این «تز» را مطرح می‌سازد که «آب را باید از سرچشمه بست». به عبارت روشن‌تر، زمانی ما می‌توانیم، از همسازی واقعی میان علم و دین سخن به میان آوریم، که علم را دوباره به همان بستر اصلی و طبیعی‌اش برگردانیم که از آغاز در آن متولد گردیده بود. علم جدید عمدتاً تحت تأثیر انگیزه‌ها، باورها و زمینه‌های دینی قرار داشته، و در راستای تحقق و خدمت به اهداف و غایات دینی به رشد و نمو پرداخته است.

زیرا در اندیشه‌های دینی، خصوصاً دین مبین اسلام و منشور جاوید آن قرآن کریم، عالم طبیعت به عنوان کتابی سرشار از رموز و اسرار الهی معرفی شده است و به متدینان مؤکداً سفارش شده است که جهت «بازنمایی» آثار و اسرار و صنع الهی به مطالعه و سیری در طبیعت بپردازند. بنابراین قرار دادن کاخ علم را بر مبادی و مفروضات جهان‌نگری سکولار، تنها گزینه ممکن برای انتخاب نیست؛ بلکه برای حفظ شفافیت و نورانیت علم و نیز حل چالش‌های ظاهری آن با دین ضروری است، که متدینان پروژه «علم دینی» را جایگزین علم جاری سکولار نمایند؛ در این شرایط است که هر گونه تعارض و ناهمسازی میان این دو حوزه سرنوشت ساز منتفی خواهد شد.

این نوشتار با همین رویکرد (علم دینی) به بررسی یکی از مصادیق تعارض علم و

دین تحت عنوان «خلقت انسان در قرآن و نظریه داروین» پرداخته است، فرضیه اصلی ما این است، علم موجود که بی تردید دارای جهت گیری سکولار می باشد، شدیداً و واقعاً با آموزه‌ها و ظواهر دینی در تعارض است؛ در شرایطی، به معارضات این دو حوزه واقعاً با یکدیگر برخورد شده که متدینان علم را از دو جهت بحث کرده و آن را بر اساس مبانی دینی بنا سازند. نظریه تطوری پیدایش جانداران نیز از آن رو در تعارض یا جهان بینی و ظواهر دینی قرار گرفته است، که عمیقاً متأثر و مشروب از مفروضات متافزیک طبیعت گرا و سکولار می باشد. این رساله در راستای تحلیل مسأله یاد شده، در سه بخش، که هر بخش متشکل از چند فصل می باشد، تنظیم شده است. در بخش اول پس از طرح «مسأله» و بیان پیشینه‌ای بحث به بررسی و تعریف مفاهیم کلیدی پرداخته شده و سپس به واکاوی بخشی از ادبیات نظری معاصر در قبال مسأله علم و دین با هدف تأمین پشتوانه تئوریک، برای تبیین مسأله مورد بحث عطف توجه شده است.

نظریه تکاملی انواع هر چند پیامدهای گوناگون و متعددی را برای ادیان در پی داشته و در زمینه‌های مختلفی یا تعلیمات دینی در تعارض افتاده است؛ اما توجه ما در این نوشتار عمدتاً به دو پیامد کلامی این نظریه (تعارض با جهان بینی دینی و ظواهر قرآن) معطوف بوده است. در بخش دوم، معارضه انگاری تئوری تکامل با جهان بینی دینی پس از گرازش نظریات علمی مطرح، در پیدایش جانداران و انسان، مورد بررسی واقع شده و به طور عمده از دو زاویه معرفت شناختی و وجودشناختی به نقد و تأمل کشیده شده است. فصل‌های قسمت سوم این جزوه، عمدتاً در پی واری و تأمل در قبال دومین پیامد نظریه داروین که معارضه با ظواهر قرآن در زمینه آفرینش باشد، تدارک دیده شده است. در فصل اول از بخش سوم دیدگاههای مطرح در باره ظهور متون قرآنی را نقد و بررسی نموده‌ایم. در فصل دوم همین بخش به راه حل‌ها و

راهکارهای ارائه شده، توسط اندیشمندان مسلمان برای رفع تعارض علم و دین، توجه شده است و در فصل سوم تحلیل و تبیین نهایی از مسأله مورد بحث با تکیه بر رویکرد علمی دینی ارائه شده است.

کلیات بخش اوّل

فصل اوّل: تاریخچه و طرح مسأله

فصل دوّم: بررسی و تعریف مفاهیم محوری

فصل سوّم: واکاوی ادبیات نظری مسأله

فصل اول
تاریخچه و طرح مسأله

۱- اهداف و پیشینه بحث:

الف - سابقه بحث در فرهنگ مغرب زمین:

مسأله «رابطه علم و دین» شکل نوین و باز مطرح شده‌ای بحث بسیار کهن و باستانی، در تاریخ اندیشه‌ای بشر تحت عنوان «رابطه عقل و وحی» و یا عقل و دین می‌باشد. مسأله عقل و وحی و نحوه نسبت آنها با همدیگر یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فکری بشر بوده است که هم قدمت طولانی و هم اهمیت فراوانی در نظام معرفتی و فکری بشر داشته است. آنگونه که آثار تاریخی نشان می‌دهد فیلون اسکندرانی، فیلسوف یهودی (۲۰ ق. م - ۵۰ م) اولین اندیشمندی است که در باب ارتباط آموزه‌های دین با اندیشه‌های عقلی به تأمل پرداخته و در جهت عقلانی کردن معارف دین یهود کوشیده است^(۱).

اندیشمندان مسیحی نیز از همان قرون اولیه میلادی در این عرصه تلاش‌های فراوانی نموده‌اند.

فیلسوفان چون: «سن آگوستین» «اورینگن» «آنسلم» «توماس اکویناس» از آباء و متفکران دین مسیح محسوب می‌شوند که معتقد به عدم تعارض عقل و وحی بوده‌اند و برای همسازی این دو حوزه راهکارهای را ارائه نموده‌اند^(۲).

با آغاز شدن عصر جدید و دوره روشنگری، در اثر پیشرفت و توسعه علوم جدید مسأله قدیمی وحی و عقل دو باره با عنوان جدید (رابطه علم و دین)

۱- آ.ج، آربری، عقل و وحی از نظر متفکران اسلامی، مترجم حسن جوادی، دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵.

۲- فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، نشر البرز، اول ۱۳۷۵، تهران، صفحات: ۷۸، ۸۷ و ۹۱.

مورد بازخوانی و توجه متفکران قرار می‌گیرد.

عصر روشنگری عمدتاً شاهد سه رویکرد در قبال مسأله علم و دین، و نحوه رابطه آنها بوده است:

گروهی از متکلمان و روشنفکران مسیحی قائل به همزیستی وحی و علم بوده‌اند و وحی و طبیعت را دو طریق بدیل و یا علی‌البدل می‌شمردند که هر دو به حقایق بنیادی یگانه یعنی خداوند منتهی می‌شوند.

گروه دیگر کسانی بودند که آموزه‌های وحیانی را تخطئه و الاهیات طبیعی را جانشین معتبری برای آن می‌دانستند این گروه در کفایت عقل کوچکترین شک و تردیدی نداشتند اما برای وحی و آموزه‌های دینی مبتنی بر وحی نقش تبعی و غیر اصیل قائل بودند.

دسته سوم روشنفکرانی بودند که هر گونه برداشت غایت انگارانه و دینی را چه در شکل الاهیات مبتنی بر وحی و یا الاهیات مبتنی بر طبیعت، مورد تردید و انکار قرار می‌دادند؛ این گروه کسانی بودند که تلاش‌های عقلانی بشر را برای شناخت و فهم آموزه‌های دینی عقیم و نازا می‌دانستند^(۱). دیوید هیوم، و کانت از مشهورترین اندیشمندانی است که قائل به عدم عقلانیت و معتقد به انفصال قلمرو وحی و تلاش‌های عقلانی و علمی بودند؛ هیوم با نفی قانون ضرورت علی و معلولی دفاع عقلانی از مسیحیت را بی‌حاصل می‌دانست^(۲). کانت فیلسوف نامدار آلمانی اثبات وجود خدا و تعالیم دینی را از حد توانایی عقل نظری خارج شمرده و شالوه دین را در زندگی عملی انسان و احوال قلبی به ویژه در وجدان اخلاقی انسان‌ها جستجو می‌نمود.

۱ - ایان باربور، علم و دین، مترجم، بهاء‌الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، دوم، ۱۳۷۴، ص ۷۴ - ۷۷.

۲ - همان، ص ۸۸ - ۸۹.

دیوید هیوم انگلیسی (۱۷۱۱-۱۷۷۶ م) و ایمانوئل کانت آلمانی (۱۷۲۴-۱۸۰۴) دو فیلسوف تأثیر گذار است که خطوط فکری و ردپای از اندیشه‌های آن دو، حتی بر مکاتب فکری معاصر نیز قابل ردیابی می‌باشد. تأثیرات عمیق و شگرف را که اندیشه‌های این دو متفکر بر نحله‌های فکری بعد از خود همانند: اگزیستانسیالیسم، پوزتویسم منطقی، کلام اعتدالی و فلسفه تحلیلی زیانی گذاشته‌اند قابل انکار نیست. اندیشه‌های این دو اندیشمند شهیر در عین حالی که نقاط مشترکی فراوانی باهم دارند اما تفاوت‌های اساسی و چشمگیر نیز در رویکرد آنها به چشم می‌خورد، از جمله، تفاوت‌های جوهری نظام فکری آن دو در قبال جایگاه دیانت و مبنای توجیه عقاید دینی در نظام معرفتی بشر بروز می‌کند؛ زیرا هیوم با توجه به موضع معرفت شناختی شکاکانه که راجع به کل معرفت بشری اتخاذ می‌کند، در باب دین و معرفت دینی و نیز نسبت آن با عقل بیشتر، یک موضع لادری گرایانه دارد که هیچگونه راهکاری را راجع به نحوه رابطه علم و دین ارائه نمی‌دهد نتیجه‌ای چنین رویکردی این خواهد بود که وجود خداوند و دیگر تعالیم دینی را، منطقی‌اً نمی‌توان اثبات کرد و نه انکار و «با فقدان شواهد و دلایل قابل اتکا بهترین کار خودداری از قضاوت در باب اینگونه مسائل ابدی است»^(۱).

اما کانت هر چند در توانای عقلی نظری برای تحلیل و فهم آموزه‌های دینی شدیداً تردید می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که اصل اساسی دیانت یعنی شناخت وجود خدا را به عنوان یک «اصل موضوعی» می‌پذیرد و قایل است که امور دینی قابل تحلیل عقلانی نیست؛ ولی وی مبنای روشن را برای توجیه عقاید دینی معرفی می‌کند. ایشان وجدان

اخلاقی و درونی بودن احساس الزامات اخلاقی، در انسان‌ها را به عنوان مبنای دیانت قلمداد می‌کند. کانت به این ترتیب راهکار روشن و مصالحه بنیادینی را بین علم و دین ارائه و برقرار می‌سازد^(۱).

مواضع رویکردهای معاصر فکری در باب نسبت علم و دین (که به تفصیل در بخش واکاوی ادبیات نظری مسأله به آنها اشاره شده است) عمدتاً یادآور همان تقسیم بندی ثنائی کانتی میان عقل عملی و نظری است که با بیان و استدلال جدید از طریق تمایز نهادن میان قلمرو و موضوع دیانت با علم به تنظیم مناسبات این دو حوزه پرداخته شده است.

ب - پیشینه بحث در فرهنگ اسلامی:

ارتباط حکمت و شریعت و یا عقل وحی در جهان اسلام نیز مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است؛ متفکران اسلامی از زوایای مختلفی در این باب نظر کرده‌اند؛ به همین جهت نحله‌های فکری متعددی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی به وجود آمده‌اند.

در میان فقیهان و ارباب مذاهب فقهی عده‌ای همچون مالک بن انس و افراطی‌تر از او احمد بن حنبل از تعبد محض و کنار نهادن عقل و تعقل در امور دینی جانب‌داری کرده‌اند. برخی دیگر مثل ابو حنیفه و ملازم‌تر از او شافعی مدافع قیاس و تعقل بوده‌اند. در قلمرو فقه شیعه نیز اخباریان مدافع نص‌گرایی افراطی و دارای مواضع شدیداً ضد عقلی بوده است؛ در حالی که اصولیان از اعتبار و جایگاه ارجمند عقل نیز حمایت

۱ - برای آگاهی بیشتر، مقایسه نظریه هیوم و کانت، رک به: ایان باربور، علم و دین، از ص ۸۷ تا ۹۵.